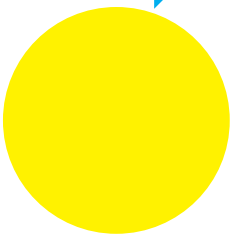




ایران



• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

پیامبر اکرم (ص)



سخن‌روز

غم روزی فیردا را مخور؛ زیرا هر فردایی روزی را با خود می‌آورد.

تحف العقول، ص ۱۴



«سینما متروپل» رضا کیانیان

پس از سه سال روی پرده می‌رود

«سینما متروپل» جدیدترین اثر محمدعلی باشه‌آهنگر که در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر جایزه بهترین فیلم را دریافت کرده بود، بالاخره پس از سه سال روی پرده سینماها می‌رود. رضا کیانیان، مهتاب نصیریور، مجتبی پیرزاده، نوشین مسعودیان، هومن برق‌نورد، حسین باشه‌آهنگر، پرویش نظریه، شهاب عسگری، سهراب منصوری، فرید قبادی، هادی عامل‌شامی، حسین پوریده و شهریار فرد در این فیلم ایفای نقش می‌کنند. *ایرنا*



حمیدرضا نعیمی با «فردریک» به تالار وحدت برمی‌گردد

نمایش «فردریک» نوشته اریک امانوئل اشمیت و ترجمه شهلا حائری‌است که با کارگردانی حمیدرضا نعیمی، بهار سال جاری در تالار وحدت روی صحنه رفت. اجرای این نمایش با وجود استقبال مخاطبان در آن مقطع زمانی به دلیل جنگ ۱۲ روزه متوقف شد. «فردریک» با حضور بازیگران جدید برای اجرا در یک دوره ویژه و محدود از ۲۰ شهریور در تالار وحدت آماده می‌شود. *اصبا*



جکی چان گیشه سینماهای چین را تسخیر کرد

فیلم مهیج «لبه سایه» در دومین آخر هفته اکران خود در چین، با فروش ۱۸۲.۹ میلیون یوانی (۲۵.۴ میلیون دلار) صدر گیشه سینماهای چین را از آن خود کرد. این فیلم به کارگردانی لری یانگ و با بازی جکی چان، تاکنون ۷۷.۵ میلیون دلار بلیت فروخته است. این فیلم بجز چین در دیگر کشورهای جهان هم با اقبال روبه‌رو شده و جایگاه سوم فروش را در جدول سینماهای جهانی دارد. *امهر*



همراه با دولت

۸۰۰ ناشر و ۲۰۰ تهیه‌کننده تسهیلات بانکی دریافت کردند

دولت چهاردهم در راستای سیاست‌های حمایتگرانه-تسهیل‌گرانه خود از اهالی فرهنگ و هنر، اقدامات زیادی برای حمایت از صنعت نشر و سینما انجام داده است که منجر به رونق در این زمینه شده است. دولت چهاردهم برای بقای صنعت نشر و سینما و جلوگیری از خروج هنرمندان از چرخه تولید با همکاری بانک‌ها و صندوق اعتباری هنر بیش از ۵۰۰ میلیارد تسهیلات به آنها پرداخت کرد. پرداخت تسهیلات به ۸۰۰ ناشر و ۲۰۰ تهیه‌کننده سینما، تسویه وام‌های کروئایی باقی‌مانده، افزایش ۲۷ درصدی تعداد آثار تولید شده نسبت به سال ۱۴۰۲ از دیگر اقداماتی است که در حوزه حمایت از سینما در دولت دکتر مسعود پزشکیان صورت گرفته است.



یادداشت

حسن پور شیرازی از نقش خود در فیلم پیرپسر گفت

ظهور کاراکتری به نام غلام باستانی



حامد قریب گروه فرهنگی

۶۷ سال سن دارد و به گفته خود از ۹ سالگی به حرفه بازیگری روی آورده است. اما هنوز وقتی از نقش‌های مهم کارنامه‌اش می‌گوید، چشمانش برق می‌زند و صدایش می‌لرزد. نمی‌توان او را نادیده گرفت: با این همه، نقش‌های نابش سال‌هاست که نادیده گرفته شده است. از بازی‌های بی‌نظیرش در فیلم «میهمان مامان» و سریال «ترکس» تا بازی در نقش‌هایی چون عمر سعد فیلم «رستاکیز» و پیرمرد مرموز و سرسپرده «کشتزارهای سپید» که هیچ‌وقت رنگ پرده‌نقروی سینماهای ایران را ندیده است، همگی سیمای بازیگری را نمایان می‌کند که در عین قدرت، بدون کوچک‌ترین حاشیه‌ای، راه بی‌پایان هنرمند بودن را پیموده است.

حسن پورشیرازی، این روزها با بازی در نقش غلام باستانی فیلم «پیرپسر» دوباره بر سرزبان‌ها افتاده اما تمام طول این چند ماه را در سکوت سپری کرده است. انکار او از پس گذر از سال‌ها، به دیده نشدن نقش‌هایش عادت کرده است. با این همه بالاخره او شامگاه روز دوشنبه دوم شهریور، در برنامه‌ای که سینماک خانه هنرمندان ایران، به بهانه اکران فیلم مستند پشت صحنه «پیرپسر» تدارک دیده بود، حاضر شد تا درباره بازی بی‌نظیرش در نقش غلام باستانی صحبت کند و پاسخگوی تعدادی از پرسش‌های مخاطبان این فیلم باشد.

در این مراسم افراد بسیاری حضور داشتند، اما انکار همه برای حسن پورشیرازی آمده بودند. حامد بهداد در بخش ابتدایی صحبت‌های خود به تجلیل از او پرداخت و گفت که نقش غلام باستانی برای حسن پورشیرازی، همان نقش موعودی است که نمی‌دانیم کی و کجا از راه می‌رسد. بازی در این نقش به مثابه پاداش یک عمر تلاش اوست که شاگرد استاد سمن‌دیان بوده و سال‌ها در نقش‌های کوچک و بزرگ به هنرنمایی پرداخته است. او در ادامه نقش غلام باستانی را خوفناک و در عین حال عمیق معرفی کرد و گفت که وقتی حسن پورشیرازی را در این نقش می‌بینیم، خیره و مهووت می‌شویم. انکار درجه‌های سینه و قلب حسن پورشیرازی گشوده شده و این نقش در جودش نشسته است. این نقش خاطره‌ای خواهد بود که مانند فیلم‌های ۴۰ یا ۵۰ سال پیش تاریخ سینما، سال‌های سال بین ما باقی می‌ماند. اکتای براهنی نیز در بخشی از این مراسم، خاطره‌ای را یادآوری کرد که در آن حسن پورشیرازی با پای تازه عمل کرده و آسیب‌دیده به انجام چندپاره سگانس‌های دشوار نقش غلام باستانی می‌پرداخت. او همچنین با پاسداشت منش و اخلاق حسن پورشیرازی، از این گفت که اکبر زنجان‌پور پس از تماشای فیلم «پیرپسر» بازی حسن پورشیرازی را انتهای بازیگری معرفی کرده است.

حسن پورشیرازی نیز در بخشی از این مراسم لب به سخن گشود و از نقش‌ها و کارهایی گفت که هیچ‌گاه دیده نشده‌اند اما علاقه‌مند نیست که خودش درباره آنها صحبت کند. چون فکرمی‌کند این کارها روزی کشف شده و درباره آنها قضاوت می‌شود. او همچنین از همکاری‌هایش با بزرگان سینما و تئاتر ایران گفت و اینکه متأسفانه از همه این رخدادها بیشتر خاطرات تلخی برایش باقی مانده است.

پورشیرازی با یادآوری روزهای همکاری با بهرام بیضایی در نمایش «افرا» و خاطرات مشترک با داریوش مهرجویی، از روزهای غم‌باری گفت که سبب شد تا دیگر بیضایی در ایران نباشد و مهرجویی به قتل برسد. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به صورت تلویحی در پاسخ به منتقدانی که فیلم «پیرپسر» را دارای خشونت غیرقابل‌باور معرفی می‌کنند، گفت: «۱۶ سالم بود که رستم و سهراب ایرلندی را بر صحنه دیدم؛ بی‌پروا و بدون تعارف. رستم در آنجا پسرش را می‌کشد و بعد می‌گوید: «من تورا دوست دارم، ولی قدرت را بیشتر دوست دارم.» من چنین رستمی دیدم و تحت تأثیر چنین نقش‌هایی علاقه‌مندم که تا آخر عمر روی صحنه باشم. در این چند ماه با مردمی مواجه شدم که فیلم را دیده‌اند و غلام را شبیه یکی از آشنایان خود معرفی می‌کنند. در چنین شرایطی باید پرسید ما چقدر غلام داریم که از آنها بی‌خبریم.



کنم. پیش از این هم تجربه حضور در آثار تاریخی را داشتم، اما این سریال برایم یک موقعیت خاص و متفاوت بود. فضای «شکارگاه» یک ویژگی بارز دارد و آن حس «بی‌زمان و مکان» است.

با اینکه نشانه‌هایی از دوره قاجار در سریال وجود دارد، اما در عین حال می‌توان گفت که این داستان در هر برهه تاریخی دیگری هم می‌توانست رخ دهد. همین ویژگی باعث شد که نقش سیمین برای من جذاب‌تر باشد، زیرا هم‌زمان باید هم به اقتضای یک شخصیت تاریخی وفادار می‌ماندم و هم به گونه‌ای او را ایفا می‌کردم که برای مخاطب امروز باورپذیر باشد.

به نظر شما این ویژگی «بی‌زمان و مکان» بودن قصه، چه تأثیری بر بازی شما داشت؟

این ویژگی کار را هم سخت‌تر می‌کرد و هم شیرین‌تر. سخت از این نظر که باید در عین حفظ حال و هوای تاریخی، به مخاطب امروز نزدیک می‌شدیم و شخصیت‌ها را برای او باورپذیر می‌کردیم.

از طرفی شیرین بود چون این فضا امکان تخیل بیشتری به بازیگر می‌دهد و او را از چهارچوب‌های صرفاً تاریخی خارج می‌کند. در «شکارگاه» باید دائم مراقب بودیم که هم فضای مستندگونه و واقعی کار از بین نرود و هم ارتباط آن با مخاطب معاصر حفظ شود. این دوگانه یکی از چالش‌های اصلی بازی در این سریال بود.

همکاری با نیما جاویدی در مقام کارگردان برای شما چگونه تجربه‌ای بود؟

از همان روز اول تمرین‌ها و حتی در مرحله دورخوانی متوجه شدم که با کارگردانی طرف هستم که تنها دغدغه‌اش کیفیت کار است. برای ایشان تک‌تک پلان‌ها اهمیت داشت. بارها و بارها صحنه‌ها را می‌خواندیم و درباره جزئیات گفت‌وگو می‌کردیم. نکاتی که ایشان درباره بازی من مطرح می‌کردند، بسیار دقیق و جزئی



فضای

«بی‌زمان و مکان» که

گفتم، کار

را پیچیده‌تر

می‌کرد، زیرا

باید هم حس

تاریخی کار

حفظ می‌شد

و هم حس

معاصر بودن

آن، امیدوارم

توانسته باشم

در این مسیر

موفق عمل

کنم

بود و همین باعث شد احساس مسئولیت بیشتری پیدا کنم. همکاری با چنین کارگردانی باعث می‌شود بازیگر نیز با تمام توان وارد کار شود و تلاش کند چیزی به سطح کار اضافه کند.

به نظر می‌رسد نقش سیمین برای شما با دشواری‌هایی همراه بوده است. درباره این سختی‌ها توضیح می‌دهید؟

بله، قطعاً. همان‌طور که گفتم سیمین شخصیتی پر از تناقض است و همین کار را سخت می‌کند. علاوه بر این، تفاوت پوشش، لحن و شرایط خاص فضای تاریخی، بازی را دشوارتر می‌کرد.

وقتی شخصیتی چنین چندوجهی است، باید مدام مراقب باشید که این وجوه در تعادل باقی بمانند و از یکدیگر جدا نشوند. همچنین همان فضای «بی‌زمان و مکان» که گفتم، کار را پیچیده‌تر می‌کرد، زیرا باید هم حس تاریخی کار حفظ می‌شد و هم حس معاصر بودن آن. امیدوارم توانسته باشم در این مسیر موفق عمل کنم.

تفاوت تجربه شما در آثار

من و سیمین وجود ندارد. اما به مرور و در جریان تمرین‌ها و گفت‌وگو با آقای جاویدی، متوجه شدم نقاط اشتراک ظریف و جزئی میان ما هست. این نقاط را پررنگ‌تر کردم و تلاش کردم سیمین را از طریق این شباهت‌ها به خود نزدیک کنم. به نظر همین شباهت‌های کوچک باعث شد بتوانم او را زنده‌تر بازی کنم.

در پایان، تجربه کلی شما از حضور در این پروژه چه بود؟ تجربه‌ای بسیار ارزشمند. گروه تولید «شکارگاه» گروهی کاملاً حرفه‌ای و هماهنگ بودند. چه همبازیانم و چه دیگر عوامل، همه با هم همراهی فوق‌العاده‌ای داشتند.

کمر پیش می‌آید که در یک پروژه چنین همدلی و همکاری میان اعضای گروه وجود داشته باشد. برای من، علاوه بر ایفای یک نقش دشوار و جذاب، همکاری با چنین گروهی یک تجربه فراموش‌نشدنی بود. امیدوارم نتیجه کار بتواند نظر مخاطبان را جلب کند.

عکس نوشت

نگهبان هنر تئاتر

این قاب که در مراسم نکوداشت «ایرج راد» بازیگر پیشگسوت تئاتر ثبت شده، میزانشی معکوس از یک عمر فعالیت او بر صحنه نمایش را بازنمایی می‌کند. او عمری از پشت این پرده بیرون می‌آمد تا هنر بازیگری‌اش را در برابر تماشاگران به نمایش بگذارد. این بار اما از پشت پرده بیرون آمد تا در نقش خودش مقابل مردم ظاهر شود نه در کسوت و شمایل هیچ پرسوناژی. این بار خود او بود که مورد تحسین و تشویق تماشاگران قرار می‌گرفت و این شاید دشوارترین حضور او بر صحنه بود و البته حماسه یک حضور باشکوه. بازیگری که به واسطه ادب و مناتش همواره مورد احترام اهل هنر و مردم هنردوست بود: بازیگری که کوشیده چه در مقام بازیگر و چه در مقام یک مدیر هنری، چراغ تئاتر را روشن نگه دارد و به قول‌های مرزبان برکت کارهای تئاتر و به قول سیاوش طهمرت نگهبان هنر است. خداوند نگهدارش باشد.

